



واکاوی اندیشه‌های پنهان در یک فیلم شاخص

هفت سامورایی (Seven Samurai)

حسن نجفی

کارگردان: آکیرا کوروساوا

فیلمنامه: شینوبوها شیموتو، هیده‌نو اوگوتی و آکیرا کوروساوا

فیلمبردار: آساکا زوناکایی

تدوین: آکیرا کوروساوا

موسیقی: فومیوهایا ساکا

بازیگران: تاکاشی شیمورا، توشیرو میفونه، یوشیو ایتابا،

ستی‌جی میاگوچی و ...

محصول سال ۱۹۵۴

داستان فیلم

قرن ۱۷، ژاپن. دهکده‌یی کوچک مورد تهدید راهزنان قرار می‌گیرد. اهالی دهکده که غالباً دهقان هستند برای مقابله با آن‌ها چند سامورایی اجیر می‌کنند. سامورایی‌ها در ازای روزی سه وعده غذا، مردم را برای مقابله با راهزنان آماده می‌کنند. طی یک درگیری خونین چهار نفر از سامورایی‌ها کشته می‌شوند و تمامی راهزنان از بین می‌روند. فصل برنج کاری است و مردم شادمانه مشغول کشت برنج هستند. در حالی که سه سامورایی باقیمانده بر سر مزار دوستان خود ماتم گرفته‌اند، کشاورزان پیروزتر از همه به نظر می‌رسند.

تجربه‌ی ۱: استراتژی

مبنای استراتژی (طرح ساختاری) این فیلم، حرکت است. شکل (فرم) و روایت با هماهنگی ویژه‌یی در کنار هم حرکت می‌کنند. آهنگ درونی تصاویر با استفاده از نوع کادربندی‌ها، جابه‌جایی‌های درون کادری و پرداخت ویژه به افه‌های تصویری (مثل گرد و خاک و ...) شتاب یافته است، در عین حال ایجاز به گونه‌یی بدیع به کمک خط روایی داستان آمده است. زیبایی این ایجاز که به یاری تدوین فشرده و خاصی صورت گرفته در بعضی صحنه‌ها به خوبی آشکار می‌شود. صحنه‌های:

- ملاقات اهالی دهکده و پیرمرد

- هیاهوی «کیکوجیو» و دویدن سامورایی‌ها به سمت میدان دهکده - هجوم راهزنان و متوجه شدن سامورایی شمشیرزن و در نهایت آماده‌باش خطوط دفاعی دهقانان (در چند نما)

این موارد به آهنگ برونی نماها نیز شتاب داده است. طول زمانی نماها تحت تأثیر همین حرکت کوتاه شده و به خدمت استراتژی یا طرح ساختاری فیلم درآمده است.

تجربه‌ی ۲: کادربندی (قاب‌بندی)

کادربندی‌های «کوروساوا» در این فیلم بی‌شابهت به آثار نقاشان و سینماگران بزرگ نیست. کادربندی صحنه‌های این فیلم در کمال آگاهی صورت گرفته و به اثر، جلوه‌یی پرشکوه بخشیده است. به عنوان مثال، کادربندی:

- چشم‌انداز وسیع در آغاز فیلم

- صحنه‌ی به خاکسپاری «هیساکی» اولین سامورایی قربانی

- صحنه‌ی حمله‌ی «کامبه‌یی» به عده‌یی که معترض تخلیه‌ی خانه‌های خود در حاشیه‌ی دهکده هستند

- صحنه‌ی آسیاب آبی بعد از مرگ پیرمرد و زن، زمانی که «کیکوجیو» کودک بازمانده را در آغوش می‌گیرد

- صحنه‌ی درگیری با راهزنان و به‌خصوص تیراندازی کامبه‌یی و گریه‌ی «کاتسوشیرو» بعد از پایان جنگ

- اولین نمای سکانس پایانی در کنار گور سامورایی‌ها

تجربه‌ی ۳: طراحی صحنه و فضا سازی

سکانس آسیاب آبی در فیلم «هفت سامورایی» از جمله سکانس‌های زیبایی است که در آن «آکیرا کوروساوا» استادی خود را در طراحی صحنه و فضا سازی اثبات کرده است.

در این سکانس که همه چیز با دقت تمام در صحنه چیده شده است، شخصیت‌پردازی «کیکوجیو» نیز به کمال می‌رسد. او به نجات پیرمردی که در آسیاب گرفتار راهزنان شده است، می‌شتابد و وقتی با مرگ پیرمرد و زن مواجه می‌شود، کودک بازمانده را به سینه می‌فشارد و به شدت گریه می‌کند.

چرخش آسیاب آتش گرفته در پس زمینه، المان‌های خوبی برای القای یک فلاش‌بک (رجوع به گذشته) ذهنی می‌تواند باشد. در واقع این نما رجعتی است به گذشته‌ی کیکوجیو و نمایشگر اتفاقاتی که



پردازش شخصیت‌ها، جنبه‌ی دیگرگونه‌یی به مضمون اثر بخشیده است. شخصیت‌های سیاه و سفید فیلم، ژرف و عمیق هستند و این به رویدادها و آدم‌های واقعه عمق و لایه می‌بخشد. سامورایی‌ها به عنوان نسل بالارزش در حال انقراض فضیلت می‌یابند، دهقانان آینه‌ی تمام‌نمای زندگی می‌شوند و محکوم به تداوم چرخه‌ی زندگی، بلاهت ظاهری «کیکوچیو» در ادامه‌ی داستان ارزشی مفهومی و معنایی پیدا می‌کند و ...

تجربه‌ی ۷: پایان شکوهمند

فیلمنامه‌ی «هفت سامورایی» پایان شکوهمندی دارد. داستان در نهایت به سرانجامی با یک تحلیل روانکاوانه از روابط آدم‌ها، منجر می‌شود. زمانی که آرامش به دهکده بازمی‌گردد و آفتاب بر شالیزارهای آن می‌تابد، زندگی چون موجی از راه می‌رسد و گذشته را به تلخ‌کستری از خاطره بدل می‌کند، اسطوره‌ها از یاد می‌روند و برای بازماندگان نسل مبارزان، تنها خاطره و انزوای تحمیلی باقی می‌ماند. در این میان تنها روستاییان هستند که پیروز شده‌اند. در سکانس پایانی، چهار سامورایی کشته‌شده بر فراز تپه‌یی دفن شده‌اند و سه سامورایی باقیمانده کنار گور آن‌ها ایستاده‌اند، آن‌سوتر دهقانان کار می‌کنند و سرود می‌خوانند، این میزاسن زیبا و پرمعنی است:

حضور سامورایی‌ها در کنار گور دوستان خود، یاد و خاطره‌ی مبارزه یا لذت مبارزه را تداعی می‌کند. فاصله‌ی سامورایی‌ها با دهقانان، زوده شدن خاطره‌ی اسطوره‌ها را در ذهن روستاییان تداعی می‌کند و از همه زیباتر عشق نافرجام «کاتسوشیرو» و «شینو» تداعی‌کننده‌ی انزوای جبری این انسان‌هاست. «کامبه‌یی» حقیقت تلخی را اعتراف می‌کند: - ما باز هم باختیم ... برنده روستاییان هستند نه ما.

تجربه‌ی ۸: تأثیرگذاری اثر

زمانی که «کامبه‌یی» رهبر سامورایی‌ها، به هیئت راهبی درآمد و نوزادی را از دست گروگانگیر آزاد می‌کند، خروج گروگانگیر از کلیه و مرگش، با حرکت آهسته (اسلوموشن) نشان داده می‌شود. این نما به دلیل کادربندی و ایجاز در بیان و تأکید روی آن در قالب حرکت آهسته‌ی تصاویر، رازآمیز جلوه می‌کند. «رابرت وایز»، «لاریک رد»، «تارکوفسکی»، «سام پکین‌پا»، «جان استرجس»، «جورج لوکاس» و ... تنها نام عده‌یی از بزرگان سینماست که این فیلم را ستوده‌اند و حتی به تقلید از آن نیز پرداخته‌اند. برای مثال همین سکانس و همین نما برای پکین‌پا کافی بود تا با بهره‌گیری از کارکرد روانی حرکت آهسته‌ی تصاویر، مؤلفه‌یی خاص به آثار خود بیخشد. یکی از شاخصه‌های آثار سام پکین‌پا، نمایش فریم به فریم مرگ است. تنها تمایز آثار «کوروساوا» با پکین‌پا در استفاده از حرکت آهسته‌ی تصاویر لحظه‌های مرگ، تفاوت در نگرش آن‌ها به این مقوله است. کوروساوا در جست‌وجوی رازهای نهفته و عمق و غنای مفهومی است و پکین‌پا در کنکاش دستیابی به جلوه‌های زیبایی‌شناسی تصویر ■

برای او افتاده است. این صحنه جواب سؤالی است که «کامبه‌یی» از او پرسیده بود:

- تو فرزند یک روستایی هستی، این‌طور نیست؟ پس کودکی که او اینک در آغوش گرفته، کودکی خویش نیز هست. گریه‌ی تأثیرگذار کیکوچیو نه فقط به خاطر موقعیت کودک، که به خاطر یادآوری گذشته‌ی خود و تکرار دردبار آن در موقعیت کنونی است. زمان در حال گردش و همه چیز در حال تکرار است، همچون پروانه‌های آسیاب آبی.

تجربه‌ی ۴: غنای مفهومی درام

سامورایی‌ها تجلی اسطوره‌های ملی و سنتی ژاپن هستند. همه‌ی ارزش‌های رو به فتنای ژاپن در این فیلم، با ابزار وام گرفته شده از جامعه‌ی مدرن از پای درمی‌آیند. در حالی که در درگیری‌ها همه آماج تیر و شمشیر می‌شوند، سامورایی‌ها مورد هدف اسلحه‌های مجهول و نامعلوم قرار می‌گیرند. کارگردان با دقت نظر و طراحی دراماتیک رویدادها، به روایت و حوادث فیلم، غنای مفهومی و عمق بخشیده است.

تجربه‌ی ۵: دوران تحقیق در نگارش

دوران تحقیق در نگارش فیلمنامه از مقاطع مهم جریان تولید یک اثر سینمایی است. در این فیلم دوران تحقیق نگارش با طراحی دفاع از دهکده‌ی دهقانان توسط «کامبه‌یی» خودی نشان می‌دهد. این طراحی خطوط دفاعی توسط کامبه‌یی مبتنی بر اصول صحیح نظامی است. فرایند روانی این انطباق صحیح، آگاه‌سازی مخاطب از شرایط جغرافیایی داستان، همسویی و باورپذیری مخاطب و روند روایی موفق داستان است.

تجربه‌ی ۶: پرداخت دراماتیکی

هر چند طرح داستانی فیلم، بسیار ساده است اما پیچیدگی حاکم بر